

## تبیین نحوه‌ی اثر نیروهای مؤثر بر دگرگونی شهر کرج با تأکید بر دوره‌ی زمانی ۱۳۳۵-۱۳۹۰\*

احمدعلی نامداریان<sup>۱\*</sup>، اسماعیل شیعه<sup>۲</sup>، مصطفی بهزادفر<sup>۳</sup>، بهادر زمانی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران،

<sup>۲</sup> استاده، شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> استاده، طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> دانشیار، طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۳/۲۰)

### چکیده

کرج در آغاز سال‌های ۱۳۰۰، شهری کوچک بوده است و در سال ۱۳۳۵، تنها نزدیک به پانزده هزار نفر جمعیت داشته است. اما در واپسین سال‌های قرن چهاردهم، به چهارمین شهر بزرگ ایران تبدیل شده است. عوامل این رشد سریع و تأثیر آن بر فرم شهر، آن گونه که باید مورد بررسی قرار نگرفته است. این مقاله به توصیف، کشف و تبیین عوامل گسترش سریع شهر کرج می‌پردازد و تأثیر این گسترش سریع بر فرم شهر را بررسی کند. با این هدف با استفاده از تحلیل تاریخی - تفسیری، مراحل دگرگونی فرم شهر کرج را مطالعه کرده است و با استفاده از مطالعه‌ی اسنادی، به سه نیروی «قلمرو»، «قدرت» و «تفاوت» پرداخته که دگرگونی شهر کرج را موجب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد، رشد انفجاری کرج بیشتر متأثر از مؤلفه‌ی قدرت و بازتابنده‌ی سیاست‌های تمرکزگرایی و صنعتی‌سازی دولت‌ها در قرن چهاردهم شمسی و بورس‌بازی زمین و مسکن است. متأثر از این مؤلفه‌ی قدرت، طبیعت دوم ایجاد شده است که نتیجه‌ی آن تغییر محیط طبیعی و مهاجرت اقشار و گروه‌های مختلف در کرج است. این حضور، به شکل‌گیری مؤلفه‌ی تفاوت منجر نشده است و صرفاً به همجواری این گروه‌ها انجامیده است. نتیجه‌ی دگرگونی کرج، به پیدایش مفهومی به نام مناسبات همجواری منجر شده است.

### واژه‌های کلیدی

نیروهای مؤثر، دگرگونی شهر، کرج، قدرت، مناسبات همجواری.

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول، با عنوان «تبیین نحوه اثر نیروهای مختلف بر دگرگونی فرم شهر، مورد مطالعاتی: شهر کرج» می‌باشد که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم که در دانشگاه علم و صنعت ایران ارائه شده است.

\*\* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۰۱۵۲۸۵۳، نمابر: ۰۷۷۸۹۹۹۵۵ - ۰۲۱. E-mail: ahmadnamdarian@yahoo.com

## مقدمه

در کرج مابه‌ازای فضایی یافته است. شهرهای ایران به‌ویژه از سال‌های ۱۳۲۰، متأثر از برنامه‌های مختلف توسعه، گسترش یافته‌اند و تلاش شده است به‌طور مطلوب هدایت شود. با وجود پیچیدگی پدیده‌ای مثل شهر، شهرهایی که عمدتاً در دهه‌های اخیر دگرگونی سریع‌تری پیدا کرده‌اند، بهتر می‌توانند نحوه‌ی اثرگذاری برخی نیروها را، از جمله اثر قدرت، بر دگرگونی شهر نشان دهد. لذا با هدف بررسی تأثیر برخی نیروهای مؤثر بر دگرگونی فرم شهر، شهری چون کرج می‌تواند شاهد خوبی باشد: از یک طرف، کرج یکی از کلانشهرهای ایران است و از طرفی، دگرگونی اصلی این شهر، محصل اقدامات پس از سال‌های ۱۳۳۵ است. گسترش کرج می‌تواند بازتابنده‌ی نیروهای اصلی توسعه‌ی شهرهای ایران معاصر باشد و این مطالعه میزان توفیق این نیرو را نشان می‌دهد و به دنبال آن است تا اثرات و ضعف‌های ناشی از نیروی اصلی توسعه‌ی شهرهای معاصر را معرفی کند و برای تعادل بخشی به نیروها به ارائه پیشنهاداتی بپردازد. کرج در چند مرحله دگرگونی و تحول را تجربه کرده است. کرج در سال ۱۳۳۵، جمعیتی معادل پانزده هزار نفر داشته است. اما مطابق آمار سال ۱۳۹۵، جمعیت این شهر، به ۱,۷۵۰,۰۰۰ نفر رسیده و به یکی از مادر شهرهای ایران تبدیل شده است. در مقایسه با شهرهای بزرگ، کرج بیشترین رشد جمعیتی را داشته است. مساحت شهر از حدود ۳۹۰۰ هکتار در سال ۱۳۳۵، به حدود ۱۷,۰۰۰ هکتار در حال حاضر رسیده است. کرج شهری بوده است که ساختار اصلی و بافت آن، محصول تحولات سال‌های ۱۳۴۰ به بعد کشور و دستاورد دوران نوزایی در کشور است. اما چه عوامل و نیروهایی موجب این گسترش سریع شده‌اند و این گسترش سریع، چه اثری بر فرم شهر کرج داشته است؟ بررسی نیروهای مؤثر بر دگرگونی شهری، می‌توان به آسیب‌شناسی این‌گونه شهرسازی کمک کند و پیچیدگی‌های این عوامل متعدد را بکاوود. همچنین می‌توان تا اندازه‌ای قضاوت کرد که شهرسازی معاصر ایران تا چه میزانی در فرایند رشد و گسترش و هدایت یک شهر مؤثر بوده است. در ضمن با شناسایی نیروهای مؤثر بر رشد و گسترش کرج، این نیروها را در تهیه‌ی طرح‌های توسعه‌ی شهری بهتر لحاظ کرد تا میزان تحقق‌پذیری آن‌ها بالاتر رود. این مقاله با تحلیل تاریخی - تفسیری تلاش می‌کند به توصیف، اکتشاف و تا حدودی تبیین عوامل مؤثر بر دگرگونی فرم کرج بپردازد.

فرم شهر و چگونگی تحول آن مورد توجه علوم و اندیشمندان مختلف بوده است. با این همه، به‌طور سنتی، مورخان معماری و شهرسازی (Hack, 2017; Nagy, 1968; Kostof 1991, 1992; Duany and Talen, 2013) و ریخت‌شناسان شهری (Kropf, 2009, 7-105; Whitehand, 2016; Moudon, 1997, 2006)، در این زمینه بیشتر مطالعه داشته‌اند. اغلب مطالعات دگرگونی شهر، به توصیف آن یا اثر آن بر دیگر مسائل شهری پرداخته‌اند و در زمینه‌ی چرایی دگرگونی شهر کم‌تر مطالعه شده است. مکاتب مختلف ریخت‌شناسی شهری به فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر روند تاریخی شکل‌گیری بافت شهری کم‌تر پرداخته‌اند (محملی ایبانه، ۱۳۹۰، ۱۵۹-۱۶۵). علی‌پورکوهی (۱۳۹۸، ۹۰) با تحلیل محتوای نظریه‌های فرم شهری، یک دسته‌بندی از مطالعات فرمی براساس زمینه‌ها و رویکردهای مطالعه‌ی فرم شهری ارائه کرده است که شامل مطالعات بومی - اقلیمی، تاریخی - جغرافیایی، اقتصادی - سیاسی، ریخت‌شناسی، زمینه‌ای - مکانی، عملکردی - رفتاری و ادراکی - اجتماعی است و با تأکید بر رویکرد ریخت‌شناسی، شاخص‌هایی برای تحلیل فرم - ریخت‌شناسانه ارائه کرده است.

چرخش رهیافتی حول مفهوم فضا از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و مطالعات جامعه‌شناسانی چون فوکو، کاستلز (Castells, 1977)، گیدنز و لوفور، پرداختن به ابعاد اجتماعی و سیاسی شهر و در هم تنیدگی آن با قدرت، ساختارهای اجتماعی (Giddens, 1984)، اقتصاد سیاسی فضا (Harvey, 1985; Soja, 1989) و فرهنگ جامعه (vey, 2008; Harvey, 1985) توجه قرار گرفت. لفور فضا را محصولی سیاسی و اجتماعی می‌دید (Lefebvre, 1991). بنابراین، فرم شهر، یک برساخته‌ی اجتماعی است و تجلی مناسبات مختلف جامعه است (Massey, 1994). لذا فرم شهر مدام در حال شدن و بازتولید مداوم است. «این جهان نه از بطن تصاویر صرف ادراک بلکه از دل یکسری نیروها و مناسبات به‌صورتی متفاوت برساخته می‌شود» (داداش‌پور و یزدانیان، ۱۳۹۸، ۲). همچنین این چرخش فضایی باعث شد برای فرم شهر ابعاد فیزیکی، روان‌شناختی و اجتماعی قائل شوند (مدنی‌پور، ۱۳۸۴، ۱۷۳-۱۹۹) و فرایند توسعه و دگرگونی شهر به فرایندهای اجتماعی شهر گره زده شود. اما اینکه این فرایندهای اجتماعی چگونه تجسم فضایی می‌یابند، بسته به هر شهری متفاوت است و نمی‌توان به الگو سازی در این زمینه پرداخت. این مقاله، از نحوه‌ی تأثیر فرایند اجتماعی بر دگرگونی شهر و مؤلفه‌های آن سخن می‌گوید و تلاش دارد نشان دهد فرایندهای مختلف اجتماعی، چگونه

## پیشینه‌ی تحقیق

گروترو، ۱۹۸۷؛ مدنی‌پور، ۱۳۹۰) و نیروی سیاسی و قدرت (Cuthbert, 2006; Dovey, 1991, 1999; Massey, 1991) «فضا محصول نیروهای ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی (قلمرو قدرت) است که در پی تعیین، تنظیم و کنترل اعمالی می‌باشد که در میان و یا از خلال آن واقع می‌شود (Zieleniec, 2007, 61). حبیب (۱۳۸۵، ۸) فرم شهر را تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی، اجتماعی شهر و فعالیت‌های جوامع شهری در مکان و زمان میدانند که در ترکیبی از ذهنیت و عینیت، ماهیتی فرا دو بُعدی یافته است. فرم شهر حاصل تعامل نیروهای بسیاری است که سه عنصر اصلی آن عوامل طبیعی، انسانی و مصنوع بوده است.

کاستف فرم شهر را به‌عنوان پدیده‌ای می‌دید که بازتابنده‌ی فرهنگ جامعه است. علاقه‌ی وی به فرم و مطالعه‌ی آن از جهت احتمالات رفتاری نیست، بلکه علاقه‌ی وی از بابت ظرف معنی بودن آن است و معنای معماری همواره در تاریخ و بستر فرهنگی ماؤا دارد (Kostof, 1991). اندیشمندان مختلف، به نیروهای مختلفی در فرایند شکل‌بخشی به شهرها اشاره کرده‌اند. از جمله: نیروهای طبیعی (سلطانی و نامداریان، ۱۳۸۹)، نیروی اقتصادی (راجرز، ۱۳۸۷؛ Carmo-Harvey, 2012; Kostof, 1991, 1992)، نیروی اعتقادی (Ellin, 2006; na, 2003).

الزام‌آور می‌کند، همان نهاد برنامه‌ریزی ایتالیایی‌ها؛ ضوابط ساخت‌وساز و دیگر راه‌کارهای قانونی؛ ابزارهای سرمایه‌گذاری تغییرات شهری، از جمله مالیات بر دارایی‌ها و مباحث اوراق قرضه؛ ساختار اجرایی شهر» (Kostof, 1991). هیلیر با تشریح نظریه‌های فوکو و هابرماس، به تبیین و تحلیل تعامل پیچیده‌ی قدرت با برنامه‌ریزی کاربری زمین پرداخته است (هیلیر، ۱۳۹۸).

### روش‌شناسی

این مقاله در یک مطالعه‌ی توصیفی-تحلیلی، به مرور ادبیات نظری دگرگونی فرم شهر پرداخته است و در این میان به مقوله‌ی نیروشناسی در ادبیات نظری دگرگونی شهر پرداخته است. برای توصیف، اکتشاف و تبیین نیروهای مؤثر بر تحولات شهر کرج، از راهبرد استقرایی و پس‌کاو بهره‌برده است. با وجود بدیع‌بودن مفهوم نیروهای مؤثر بر دگرگونی شهر، این مقاله از یافته‌های کریستین اشمید و همکاران (۲۰۱۵) برای معرفی این نیروها بهره‌برده است. ریشه‌های نظریه‌ی ایشان، نظریات هانری لوفور است که در سال‌های اخیر تأثیر شگرفی در تغییر رهیافتی فضا داشته است و درک معماران و شهرسازان را نسبت به فضا تغییر داده است. قرائت ایشان از دگرگونی شهری، با فرضیات و چارچوب نظری این مقاله همخوانی دارد و می‌تواند به توسعه‌ی ادبیات نظری این حوزه در کشور کمک کند. لوفور، با تفسیر فضایی از مفهوم «فرایند» و «چیز» مارکس، معتقد است دیدگاه‌های غالب پیرامون فضا، با لحاظ نکردن روابط اجتماعی پنهان در فضاها، ما را به ورطه‌ی تلقی فضا به سان فضای «در خود» یا فضای فی‌نفسه می‌اندازد (Lefebvre, 1991, 90). مارکس با دو اصطلاح «فرایند» و «چیز»، قائل به این امر شده است که کالاها در یک فرایندی تولید شده و در یک لحظه‌ی خاص، به «چیز» بدل می‌شود. این مفهوم مارکس با عنوان بت‌وارگی تفسیر شده است. مارکس می‌پذیرد که هرچند کالاها به سان «چیزهایی» مادی، به واسطه‌ی فرایند کاری تولید می‌شوند که مستلزم روابط اجتماعی خاصی است، اما خصلت چیزگونه‌گرایی به آن دارد تا بر فرایندهای اجتماعی بنیادین، به محض ورود کالاها به زندگی روزمره، از راه بازار نقاب بزند (مریفیلد، ۱۳۹۶، ۲۶۶). نظریه‌ی کوانتوم نیز به سرشت دوگانه‌ی ماده و نور اشاره می‌کند: این سرشت هم‌زمان، می‌تواند «ذره» یعنی «چیز» و «موج» یعنی نوعی فرایند یا جریان باشد. «در حالی که ماده همچون نوعی ذره عمل می‌کند، از توانایی بسط سرشت موجی‌اش به زبان سرشت ذره‌اش برخوردار است و برعکس. در نتیجه دستخوش دگرگونی‌های دائمی از ذره به موج و از موج به ذره می‌شود» (Capra, 1982, 3). مطالعه‌ی اشمید و همکاران، سه بردار را برای ویژه‌شدن یک شهر ذکر کرده‌اند: قلمرو، قدرت و تفاوت. برای تأمین اهداف مطالعه و یافتن مصادیق سه نیروی برشمرده، از تحلیل ثانوی (بلیکی، ۱۳۹۲، ۲۴۱) بهره‌برده شده که داده‌های مورد نیاز اغلب در قالب اسناد فرادست شهرسازی و طرح‌های کلان‌مملکتی در خلال سال‌های ۱۳۰۰-۱۴۰۰ تهیه شده‌اند. داده‌ها اغلب از محصولات اجتماعی (همان، ۲۵۴) و در

جوزف آسبویو از دو چرخش مهم در دگرگونی شهرها یاد می‌کند. چرخش اول در اواخر قرن نوزدهم بود. چرخش دوم به اعتقاد وی از اواخر قرن بیستم شروع شد (Acebillo, Le and Schmid, 2012, 16). در میان ریخت‌شناسان، الیویرا، از کارگزاران دگرگونی فرم ذکر می‌کند و آن را به دو بخش کارگزاران مستقیم (توسعه‌گران، معماران و پیمانکاران) و کارگزاران غیر مستقیم (برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران) تقسیم می‌کند (الیویرا، ۱۳۹۸، ۳۵-۵۰). وی همچنین از فرایند توسعه نام می‌برد که شامل طرح‌ها و ساز و کار اجرای این طرح‌ها می‌باشد. کروف (۲۰۰۹) نیز در یک دسته‌بندی از دیدگاه‌های مختلف مورفولوژیک، چهار رویکرد را معرفی کرده است: تحلیل فضایی؛ پیکربندی؛ گونه‌شناختی فرایندی و رویکرد تاریخی-جغرافیایی (Kropf, 2009, 105-115). شیر یکی از مؤلفه‌های معرفت‌شناسی نظریه‌های ریخت‌شناسی را بحث تغییر می‌داند که در میان مکاتب مختلف ریخت‌شناسی به اشکال مختلف حضور دارد (Scheer, 2016, 11). نظریه‌های تغییر به چگونگی تغییر الگوها در یک مکان می‌پردازد و نه چرایی تغییر آنها. این نظریه‌ها پیرامون پویایی تغییرات فیزیکی است و بیان می‌کند که شرایط غیر فرمی بسیار متغیری هستند که می‌توانند بر تغییرات فرمی اثرگذار باشد (جدول ۱). اما با وجود تفاوت قرائت‌های مختلف میان این مکاتب، نظریه‌های تغییر اشتراکاتی دارند: اول اینکه شهرها بر روی فرم فعلی و از طریق تکامل، تحول و پراکنش ساخته می‌شوند. دوم اینکه شرایط متنوعی هستند که می‌توانند تغییرات مشابهی ایجاد کند؛ سوم اینکه فرم‌های کالبدی مشخصی هستند که در یک مکان، نسبت به دیگر انواع فرم، ماندگاری بیشتری دارند، چهارم اینکه ماندگاری و دوام بعضی فرم‌ها، می‌تواند تغییرات را به تعویق بیندازد نسبت به شرایطی که فرم ساخته شده تنها متأثر از نیروهای غیر کالبدی باشد.

در سال‌های اخیر گروه‌هایی با مطالعه‌ی بین‌رشته‌ای میان حوزه‌های جامعه‌شناسی شهری، اقتصاد سیاسی فضا و مطالعات فرهنگی، به رابطه‌ی میان جنبه‌های کالبدی و جنبه‌های غیر کالبدی شهر علاقمند شده‌اند (Bentley, 1999; Dovey, 1999; Cuthbert, 2006). پدیده‌ی مشترک میان همگی آنها، اهمیت یافتن جنبه‌هایی از فرم شهر و تحولات آن بود که بر چرایی آن تأکید می‌کرد. مدنی‌پور معتقد است فرایند توسعه به مثابه فرایندی اجتماعی به بهترین شکل با پرداختن به کنش‌های فردی و ساختارهایی که این کنش‌ها را در بر می‌گیرد، درک می‌شود و این که درک این فرایند بدون پرداختن به بسترهای اجتماعی و فیزیکی که در آن شکل می‌گیرند، ناقص خواهند بود (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۱۹۷). یکی از مؤلفه‌های مهم در چرایی تحول و تولید فرم شهر، قوانین، تصمیم‌ها و بازیگرانی است که به‌طور رسمی یا غیر رسمی با اعمال نفوذ خود، باعث تحول شهر و ساختار آن می‌شوند. «تاریخ اقتصادی و قانونی که ساخت شهرها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضوع کلان است. این می‌تواند شامل مالکیت زمین شهری و زمین تجاری باشد؛ عمل ملک فراوان یا خرید قهری، توان دولت برای تملیک دارایی خصوصی جهت استفاده‌ی عمومی است؛ موسسه‌ای که به‌صورت قانونی، طرح جامع را

جدول ۱- نظریه‌های تغییر فرم شهر در میان مکاتب مختلف ریخت‌شناسی. مأخذ: (Scheer, 2016, 11-13)

ایتالیایی	انگلیسی	Space Syntax	آمریکای شمالی
فرایند گونه‌شناختی <sup>۱</sup> ، پخشایش گونه‌ها در فضا <sup>۲</sup> ، قطعات <sup>۳</sup> ، اختلال <sup>۴</sup> ، تکمیل <sup>۵</sup>	خاستگاه <sup>۶</sup> ، چرخه‌های تغییر	تکامل <sup>۱</sup> ظهور <sup>۲</sup> ، پیش- گویانه <sup>۲</sup> مولد <sup>۳</sup>	آغازگر <sup>۴</sup> انقطاع <sup>۵</sup> ، سلسله مراتب انطباق <sup>۲</sup> ، ماندگاری <sup>۴</sup> ، شهر به مثابه اندامواره <sup>۵</sup>

افراد گروه‌های مختلف ساکن در شهر مجموعه‌ای از معیارها و شاخص‌ها نیاز است تا از آن طریق بتوان موقعیت مکانی و نحوه استقرار و وضعیت اجتماعی-اقتصادی این گروه‌ها را تعیین کرد. در این خصوص، می‌توان صدها معیار و شاخص را ذکر کرد. بدیهی است سطح دسترسی به اطلاعات و نقش و اهمیت هر یک از این اطلاعات دامنه این معیارها و شاخص‌ها را محدود می‌کند. در تصویر ۲، معیارها و شاخص‌هایی که برای این طرح لحاظ شده‌اند آورده شده است و البته به دلیل محدودیت، ذکر همه‌ی ۸۲ شاخص فرعی در این مقاله مقدور نیست.

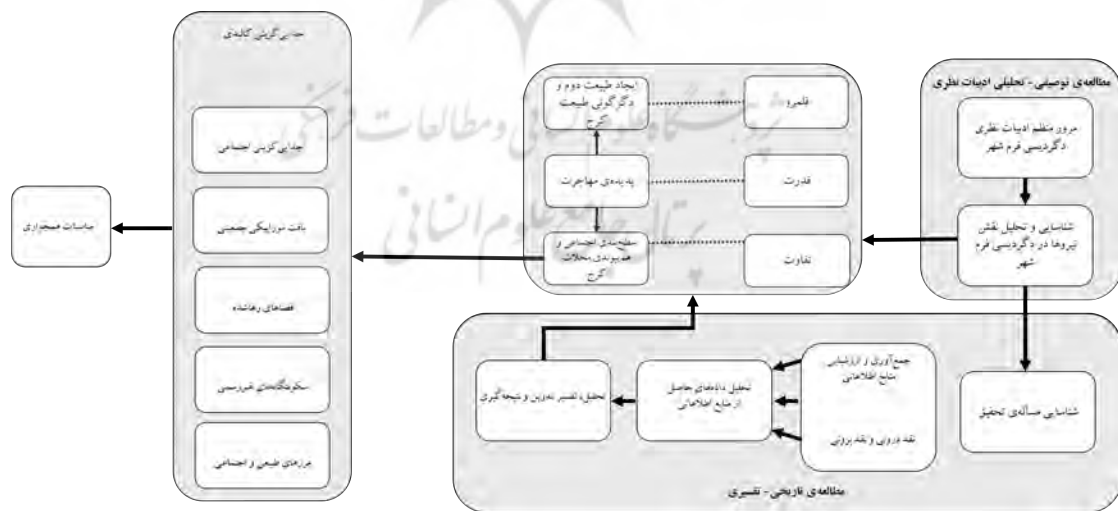
### ۱- مبانی نظری

در مطالعه‌ای که در دانشگاه ETH زوریخ و در استودیو بازل این دانشگاه در سال ۲۰۱۵ با موضوع مفهومی به نام ویژه‌بودن انجام شد، و از سه نیرو نام برده می‌شود که باعث می‌شود هر شهر برای خودش ویژه شود: قدرت<sup>۱۸</sup>، قلمرو<sup>۱۹</sup> و تفاوت<sup>۲۰</sup>. آنها معتقدند این سه مفهوم، عوامل اصلی دگرگونی یک شهر و مهم‌ترین عوامل متفاوت شدن شهرهای امروز هستند (Diener et al., 2015, 23).

### قلمرو

قلمرو<sup>۲۱</sup> پایه‌ای و شروعی است برای شهری شدن و دگرگونی طبیعت به «طبیعت دوم». منظور از طبیعت دوم، ارتباطات و نقاطی است که به واسطه‌ی ایجاد مراکز و اتصال آنها به مناطق اطراف ایجاد می‌شود. تناقض اصلی در فرایند شهری شدن، هم‌زمانی ثبات و حرکت است. «شهری شدن تولید طبیعت دوم است. تاریخ شهرنشینی تاریخ اجتماعی تولید فضای انتزاعی است که فضای طبیعی را به فضای انتزاعی تبدیل می‌کند. در این فرایند، طبیعت اساساً تغییر می‌کند و به چیزی جدید تبدیل می‌شود». اشمید، شهرنشینی را فرایندی می‌داند که آغاز آن،

قالب اسناد، مدارک منتشره (سرمد و بازرگان، ۱۳۸۸، ۱۲۴) گزارش‌ها و تغییراتی است که طرح‌های مختلف و تحرکات اجتماع، بر شهر کرج گذاشته‌اند. سپس به کمک روش تحلیل تاریخی-تفسیری، به تحلیل این داده‌ها و شناسایی نیروهای مؤثری پرداخته است که تحولات صد سال گذشته‌ی کرج را رقم زده‌اند (تصویر ۱). تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌های «قلمرو» و «قدرت» در دگرگونی شهر کرج به کمک تحلیل تاریخی صورت می‌پذیرد. مراحل توصیف و تحلیل داده‌ها عمدتاً هم‌زمان انجام شده است و عمده‌ی اسناد مورد استفاده، طرح‌های جامع، تفصیلی و دیگر طرح‌های شهری است که برای شهر کرج تهیه شده است. به منظور تبیین مؤلفه‌ی تفاوت در فرم شهر کرج، تلاش شده است، با تحلیل دموگرافیک شهر کرج، سطح‌بندی اجتماعی محلات کرج انجام شود و به این سؤال پاسخ گفته شود که افزایش ناگهانی جمعیت و پیامد آن گسترش سریع این شهر، آیا موجب اندرکنش اجتماعی شده است و به عبارت بهتر آیا این تغییر محیط طبیعی و «ایجاد طبیعت دوم» متأثر از مؤلفه‌ی قدرت، به ظهور مؤلفه‌ی «تفاوت» انجامیده است؟ با این هدف، تلاش شده است به کمک تکنیک چیدمان فضا، هم‌پیوندی محلات بررسی شود تا ارتباط سطح‌بندی اجتماعی و هم‌پیوندی ارزیابی شود. از آنجا که یکی از مهم‌ترین علت‌های تحول شهر کرج، در اثر مهاجرت بوده است، با تحلیل چیدمان فضا، هم‌پیوندی مناطق مختلف کرج بررسی شد و با استفاده از داده‌های نفوس و مسکن، و ده شاخص اصلی اقتصادی-اجتماعی و ۸۲ شاخص فرعی، با استفاده از سیستم اطلاعات مکانی، به تحلیل دموگرافیک محلات مختلف شهر کرج پرداخته شده است و تلاش شده است ساختار اقتصادی-اجتماعی کرج شناسایی شده و سطح‌بندی محلات را انجام دهد که در این سال‌ها به واسطه‌ی مهاجرت، موجب گسترش شهر کرج شده‌اند. برای تشخیص وضعیت و شناسایی ویژگی‌ها و ساختار اجتماعی-اقتصادی



تصویر ۱- روش و فرایند تحقیق.



تصویر ۲- شاخص‌های سطح‌بندی اقتصادی-اجتماعی محلات.



حکمروایی شهری چاپ شده است به سه گانه‌ی تحت عنوان قدرت، عمل و اعمال نفوذ اشاره کرده است. کرمونا با یک نگاه اقتصاد محور، قدرت را در دو سر طیف عمومی و بازار دیده است (Carmona et al., 2018). این تلقی که قدرت را از سرمایه جdanaپذیر می‌نماید، نشأت گرفته از مفهوم مارکس از قدرت است؛ اما فوکو، قدرت را در هم تنیده با مفهوم دانش می‌داند. کاتبرت معتقد است یک رابطه‌ی نزدیک میان جامعه، کنترل و سرکوب وجود دارد. به زعم او، ماهیت چنین کنترلی با تکثیر سریع نظام‌های فن‌آورانه، بوروکراتیک و قوانین مرسوم که زندگی اجتماعی از طریق آنها اداره می‌شود تغییر می‌کند. کیفیت نهفته‌ی این کنترل‌ها هم به لحاظ شکل و هم به لحاظ محتوا، طی قرن گذشته، از فیزیکی به روانشناختی، از جسم به ذهن، از زور به اقتناع، از سلطه به مذاکره، از مصرف فعال به اجابت منفعل تغییر کرده است (کاتبرت، ۱۳۹۵، ۱۰۱). یان بنتلی نیز به نقش قدرت در شکل‌بخشی به شهرها اشاره کرده است (Bentley, 1999, 53-80). بنتلی با توجه به اهمیت هر کدام از عوامل شکل‌دهنده شهری، فرایندهایی را ذکر میکند. از «شکل‌دهنده قهرمانانه» نام می‌برد که بر این بینش استوار است که فرم ساخته شده از تلاش عده‌ای مشخص (همچون معماران) ایجاد می‌شود. این عده فرم را پیشنهاد کرده و دیگران آن را اجرا می‌کنند. شکل پیچیده‌تر این قضیه آن است که مداخله‌گران ایجاد فرم را بازیگران متعددی می‌دانند که حاصل به‌وسیله نوعی «بازی قدرت» میان آن‌ها به‌دست می‌آید. فرم شهر، تجلی قدرت برتر و تلاش هژمونی برای تسلط بر فضا است. «طرح شهری یک ابزار سیاست طبقاتی، همچنین روشی با اهمیت برای کنترل و آزادی اجتماعی است. (طراحی شهری) فضایی را به وجود می‌آورد که ایدئولوژی‌های سیاسی در آن، به شکل عینی رخ می‌دهد (کاتبرت، ۱۳۹۵، ۹۷). با وجود تلقی‌های گوناگونی که پیرامون مؤلفه‌ی قدرت وجود دارد، تجسم آن در فرم شهر را در قالب نیروهای مختلفی چون نیروی اداری، نیروی سیاسی و نیروی اقتصادی دید (سلطانی، نامداریان، ۱۳۸۹).

### تفاوت

مفهوم تفاوت تاریخی طولانی دارد. این مفهوم در زمینه‌های گوناگون و وسیعی استفاده شده است. اما اولین بار لوفور بر ارتباط مفهوم تفاوت و شهر اشاره کرده است (Schmid, 2015, 302). باید تفاوت را با ناهماهنگی<sup>۲۲</sup> و تنوع<sup>۲۳</sup> متمایز کرد. مسأله آن نیست که تنوعی از مردم و چیزها در یک زمان در یک مکان حاضر باشند؛ بلکه مسأله، اندرکنش بین آنهاست. بعدتر لوفور، میان تفاوت کمینه<sup>۲۴</sup> و تفاوت بیشینه<sup>۲۵</sup> و همچنین تفاوت القاء شده<sup>۲۶</sup> و تفاوت تولید شده<sup>۲۷</sup> تمایز گذاشت (Lefe-395-396, 1991, 395-396). تفاوت‌ها به واسطه‌ی برهم‌کنش میان اجزاء مکان‌ها و مردم ایجاد می‌شود. جنبه‌ی کلیدی در این مبحث، گفتمان (دیالکتیک) باز و بسته است و این سؤال که آیا فرهنگ شهری به روی تفاوت‌هایش باز است که اینکه توسعه‌های شهری به فرایندهای بسته و جدایی‌گزینی منجر می‌شود (همان). «فضای شهری، به شواهد بسیاری از فضاهای شهری بزرگ، نه فقط صحنه‌ای برای مبارزه‌ی اجتماعی فراهم می‌آورد، بلکه همچنین تجسم نمادین غایی از تضادها، آرزوها و ارزش‌های نسل‌های گذشته است» (کاتبرت، ۱۳۹۵، ۹۷). «تفاوت‌ها گونه‌های مختلف طبقه‌بندی شهری را شامل می‌شود: شهریت یک شهر ممکن است نه فقط در توانایی آن شهر در تاب‌آوری در برابر تفاوت‌های

تغییر طبیعت و ایجاد طبیعت دوم است. طبیعت دوم نتیجه‌ی افعال اجتماعی برای مناسب‌سازی طبیعت برای منظوره‌های مختلف خود می‌داند (Schmid, 2015, 293). اشمید اولین حرکت انسان‌ها برای تغییر طبیعت نخستین را، کشاورزی می‌داند که حتی الگوی کشاورزی می‌تواند بر قلمرو (طبیعت دوم) اثر بگذارد. تولید محیط ساخته‌شده با ساختارهای مادپاش امکانات تازه‌ای از ارتباط، تعامل و همکاری را ایجاد می‌کند؛ در عین حال این زیرساخت‌ها شخصیت قلمرو را برای مدت طولانی ثابت می‌کند (همان، ۲۹۱). با پیشرفت صنعتی‌سازی، نظم روستایی از اساس دگرگون می‌شود. نوعی سامانه‌ی صنعتی‌سازی فریبکار با منطق جهانی و خردگرا رشد می‌کند که موجب قطبی‌سازی جامعه می‌شود. اجزاء متمایز و برجسته و به دنبال آن، مؤلفه‌های متمایز کننده‌ی مکان محو می‌شوند. هم‌زمان، تغییرات اساسی از دل این توسعه ایجاد می‌شود: مردم تحرک پیدا می‌کنند؛ وابستگی‌شان به زمین، امرار معاش و رسوم سنتی قطع می‌شود. باشندگان، از راه‌های دور و نزدیک با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و ارتباطات و اندرکنش‌ها تسهیل می‌گردد و همه‌ی این‌ها به یک مفاهمه، آشنائیت و آگاهی از یکدیگر منجر خواهد شد. متأثر از این دگرگونی‌ها، تفاوت‌ها ظهور خواهد کرد (Lefebvre, 127-128 & 64-65, 1970). ماکس هور کهایمر در این باره می‌گوید علم آدمی را بر چیزی مسلط می‌کند که پیش‌تر به نظر می‌رسید کاملاً تحت سلطه‌ی نیروهایی مهیب و مافوق بشری است. خوف از طبیعت در مقام موجودی سترگ و پیش‌بینی‌ناپذیر جای خود را به اعتماد و اتکا به فرمول‌های انتزاعی داده است (فرهادپور و ابادری، ۱۳۸۶).

### قدرت

مقصود از قدرت، قوانین و فرایندهایی است که ساخت محیط و استفاده از زمین را تنظیم می‌کند. قدرت، تنها به آیین‌نامه‌ها و ضوابط شکل‌بخشی به شهر اشاره ندارد. بلکه، قوانین نانوشته، بازی‌های پنهان، قدرت‌های در سایه و حتی امور غیرقانونی مؤثر را نیز شامل می‌شود. «قوانین و فرایندها از نیروهای اجتماعی سرچشمه می‌گیرند که اشکال مشخصی از قوانین قلمرو را ایجاد کرده و توسعه می‌دهد؛ قوانینی که می‌توانند رسمی یا غیر رسمی باشند با در نظر گرفتن این نکته که قوانین بازی که بر اساس آن محیط شکل می‌گیرد یا شروع به شهری‌شدن می‌کند هرگز برابر نیستند. آنها همواره در یک تعادل متناقض میان درونی و بیرونی، سنتی یا مدرن، قانونی یا غیر قانونی هستند» (Schmid, 2015, 293).

این تلقی از قدرت، ارتباط تنگاتنگی با ایدئولوژی نیز دارد. «قدرت میانجی‌ای است که ایدئولوژی‌ها از طریق آن عمل می‌کنند و چگونگی شکل‌گیری، کسب، تصاحب، سوء استفاده و تحریف قدرت برای درک ایدئولوژی اساسی است (Lukes, 1986). «طراحان شهری با مجموعه‌ی کاملی از ساختارهای ایدئولوژیک، آشکار یا پنهان بمباران می‌شوند، از پیشرفت سراسری سرمایه‌داری جهانی گرفته تا آموزش‌ها و باورهای خودشان. اگر چه دخالت ایدئولوژیکی در سطح شهری یک روند نامحسوس پیچیده است، با این همه در نهادهای دولتی مادیت می‌یابد و در آنها تنیده شده و تحت سلطه‌ی نظام حقوقی قرار دارد و بیانگر تأثیر بخش خصوصی در تمامی طیف اقتصادی است (کاتبرت، ۱۳۹۵، ۹۹). در کتابی که کرمونا در سال ۲۰۱۸ منتشر کرده است نیز، به مفهوم نیروها در فرایند تحول شهرها اشاره می‌کند. این کتاب که تحت عنوان

و مؤلفه‌ی تفاوت که به اندرکنش عوامل اشاره دارد در سر دیگر طیف. مؤلفه‌ی قدرت نیز در میانه قرار می‌گیرد (تصویر ۳).

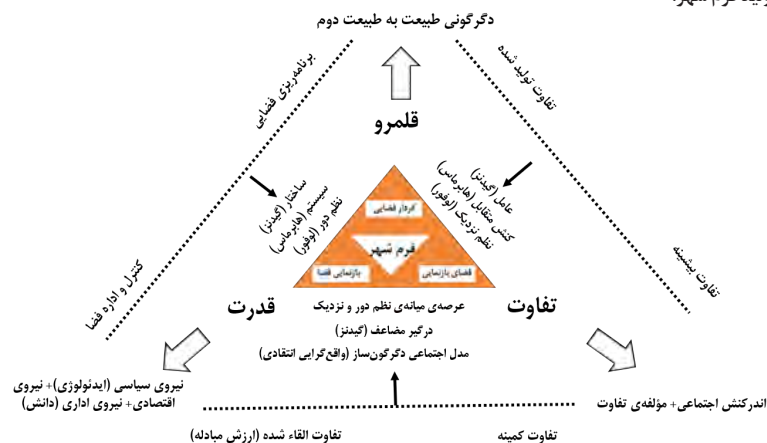
این سه‌گانه با اشاره به نظریه تولید فضای هانری لوفور مطرح شده است. با عنایت به این نظریه، می‌توان دگرگونی فرم شهر را متأثر از سه بعد اصلی دانست: کردار فضایی، اشاره به جنبه‌های عینی و ادراک شدنی اقداماتی است که موجب می‌شود طبیعت دوم ایجاد گردد. از سوی دیگر، بازنمایی فضا، شامل نیروهایی است که مسئولان و متخصصان فضا بر سرنوشت فرم شهر اعمال می‌کنند و موجب دگرگونی آن می‌گردند. و فضای بازنمایی، اندرکنش‌های اجتماعی و رفتارهایی است که موجب یک عمل جمعی می‌شود و تصمیمات مسئولان را تحت تأثیر قرار دهند. مدل مفهومی و نحوه‌ی اثر سه نیروی برشمرده (قلمرو، قدرت و تفاوت) در تصویر ۴ آمده است.

### مطالعه میدانی قلمرو

خاستگاه اصلی شهر کرج، نیروی طبیعی بوده است. هسته اولیه شهر در جوار رودخانه کرج و با حفظ فاصله محیط زیستی و احترام به بستر طبیعی این رودخانه در محدوده‌ای به نام مصباح شکل گرفته است. باغات سرسبزی که در زمان شکل‌گیری این مرکزیت وجود داشته به همراه وجود عناصر مذهبی، همچون مقبره «امامزاده حسن» و «کاروانسرای شاه‌عباسی» و نیز حمام مصباح، نشان‌دهنده بسترساز زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است. شاردن در سفرنامه‌ی خود، به کاروانسرای عباسی و رود کرج اشاره کرده است (شاردن، ۱۳۷۲).



تصویر ۳- جایگاه ساختار - عامل در تولید فرم شهر.



تصویر ۴- مدل مفهومی تحقیق.

۱۳۸۱، ۲۹۳-۳۲۳). در قرن نوزدهم، زمین به دسته‌های زیر تقسیم می‌شد: املاک و مستغلات خصوصی، زمین‌های سلطنتی، وقفی، موات و زمین‌های بایر. آبراهامیان نیز به قدرت‌گیری اشراف و زمین‌داران در خلال سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ اشاره کرده است (آبراهامیان، ۱۳۹۵، ۱۸۳-۱۹۳). یکی از نقاط عطف دگرگونی شهر کرج و سنگ‌بناهای تحول آن تا امروز، هسته‌ای است که در کنار هسته‌ی ابتدایی شهر شکل می‌گیرد. این هسته خود به بخشی از ساختار شهر تبدیل شده است. بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران آن، سنگ بنای بخش مهمی از ساختار کرج را نهاده است. شکل‌گیری محلاتی چون جهان‌شهر، چهارصد دستگاه، گوهردشت از جمله سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است. محلات جهان‌شهر، کوی کارمندان، محله‌ی چهارصد دستگاه که در ابتدا آن را «جهان‌آباد» یا کوی کارگران جهان‌چیت نامیده بودند، در ضلع جنوبی کارخانه جهان‌چیت قرار دارد. خیابان بهشتی در این تقسیم‌بندی نقش یک مرز را بازی می‌کند. در سمت جنوب این خیابان کارخانه‌های جهان‌چیت، روغن نباتی جهان و ۴۰۰ دستگاه قرار دارند و در شمال این خیابان جهان‌شهر. در نقشه ۲، بخشی از محلات مرکزی شهر کرج که محصول سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است تصویر شده است. علاوه بر سرمایه‌گذاری خصوصی، اراده‌ی حکومت، بر توسعه‌ی صنعتی در جنوب کرج بود. «از سال‌های ۱۹۳۰، شهر کرج به نقطه‌ی قانونی توسعه‌ی ملی تبدیل شد و زمینی به مساحت ۲۱۶ هکتار، در جنوب دهکده‌ی کرج و نزدیک ایستگاه راه‌آهن به این منظور اختصاص یافت که بنا بود کارخانه‌ی ذوب آهن نیز در آن احداث شود که نیمه کاره ماند. این ناحیه، بزرگ‌ترین مرکز صنعتی کشور بود و ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده بود».

نقش قدرت در گسترش پس از ۱۳۳۵ «موتور اصلی دگرگونی‌ها (ی ایران در سده‌ی بیستم) دولت مرکزی بوده است» (آبراهامیان، ۱۳۹۵، ۱۵). دگرگونی فرم شهر کرج در خلال سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰، پیوند ناگسستنی با تحولات شهر تهران دارد. از آنجا که تهران، بازنمون تحولات اقتصادی-سیاسی کشور ایران است، انعکاس تصمیمات کلان، نقش بسیار مهمی در رشد انفجاری کرج داشته است. به عبارتی، نیروی سیاسی، اصلی‌ترین نیروی دگرگونی شهر کرج است. لذا تعمق در تحولات فضایی شهر کرج، بازنمودی است از این نقش دولت مرکزی. آبراهامیان به بررسی «چگونگی جایگزین شدن حاکمیتی پاتریمونیال (شاهنشاهی) با دولتی بورکراتیک را تشریح کرده است.

کرج در بردارنده‌ی پدیده‌های مهم طبیعی است. چونان که وجه تسمیه کرج را به موقعیت آن نسبت به کوه البرز نسبت داده‌اند. اما زمانی که انسان‌ها محلی را برای سکونت انتخاب می‌کنند در یک تعاملی با آن قرار می‌گیرند و با طبیعت آن محل مفاهم‌های را برقرار می‌کنند. یا آن گونه که لوفور اشاره می‌کند، شروع به ایجاد طبیعت دوم می‌کنند. یکی از دلایل مهم سکونت در این منطقه، نزدیکی به آب و رودخانه‌ی کرج است. این موقعیت، زمینه را برای کشاورزی، سکونت، خدمات و در نهایت تمدن فراهم نماید. نامداریان و همکاران، نحوه‌ی اثرگذاری رودخانه بر توسعه‌ی شهری را با توجه به نقش زاینده‌رود در دگرگونی شهر اصفهان مطالعه کرده است. وی به نقش مادی‌های اصفهان در دگرگونی‌های دوره‌های مختلف اصفهان پرداخته است. اینکه این مادی‌ها بر مکان‌یابی محلات، استخوان‌بندی اصفهان صفوی و حتی الگوی خیابان‌های شهر اصفهان تأثیر گذاشته است (نامداریان و دیگران، ۱۳۹۵، ۲۰۷-۲۲۸).

شهر کرج به لحاظ نزدیکی به رودخانه و بهره‌برداری از آب برای کشاورزی، مشابهت‌هایی با اصفهان دارد. بنا به منطق و استدلالی که در مقاله‌ی ذکر شده آمده است، ساکنان کرج برای آبیاری مزارع و باغ‌های خود، می‌بایستی از آب رودخانه استفاده کنند. به همین دلیل با احداث نهرهایی، آب رودخانه را تا مسافت دورتر هدایت می‌کردند. این نهرها به مثابه لبه‌هایی، در فرم شهر ماندگار شدند و هنوز هم رد آنها باقی است و الگوی خیابان‌های شهر کرج را متأثر کرده است. دو نهر کمال‌آباد در شمال و حسین‌آباد در جنوب که به‌صورت شعاعی از رودخانه منشعب شده‌اند، و رود دره‌ی دلمبر در ضلع غربی شهر این وظیفه را به عهده داشته‌اند (نقشه ۱).

## قدرت

گسترش‌های پیش از ۱۳۳۵ «در ایران تغییرات سیاسی با تغییرات وسیع مالکیت همراه بوده است؛ زیرا که زمین همیشه‌ی اوقات موضوع اصلی برد و باختی اقتصادی و سیاسی به شمار می‌آمد» (هورکاد، ۱۳۸۸، ۸۰). زمین بیشتر، نشان‌دهنده‌ی قدرت بیشتر یک ایل و تبار بوده است. «سنت زراعی روابط ارباب و رعیتی، هر چند با تغییراتی، در دوره‌ی ۱۳۰۰ تا دهه ۱۳۳۰ تداوم یافت. و در واقع زمینداری خصوصی گسترش و ثبات یافت (اشرف، بنوعریزی، ۱۳۷۲، ۱۰۳). مدنی‌پور در توضیح دگرگونی شهر تهران، به فرایند کالایی‌شدن زمین و مراحل شکل‌گیری زمین و توسعه‌ی املاک و مستغلات در قرن حاضر اشاره کرده است (مدنی‌پور،



نقشه ۲-موقعیت احتمالی زمین‌های کارخانجات بخش خصوصی و محله‌های کارکنان در دهه ۱۳۲۰ به بعد.



نقشه ۱-مسیر نهرهای مهم کرج در سال ۱۳۴۰.



فراگیر و گسترده تحقق بخشید» (آبراهامیان، ۱۳۹۵، ۲۲۶). ایجاد چنین دولتی با اتکا به درآمد نفتی صورت پذیرفت و «ایران به دولتی نفتی، یا به تعبیر بعضی به یک دولت رانتی به معنای واقعی کلمه تبدیل شد» (همان). این تمرکز گرایی، تجلی فضایی نیز یافته بود و موجب شد بسیاری از سرمایه‌ها و درآمدهای نفتی به سمت تهران گسیل داده شوند. به این اراده‌ی حاکمیت، قانون اصلاحات ارضی را نیز افزود. یکی از دلایل این اراده، سیاست حد فاصل سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲، تثبیت قدرت ناشی از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بود که آبراهامیان آن را سیاست تثبیت قدرت نامیده است (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ۳۸۲). در کنار قانون اصلاحات ارضی، که مناطق روستایی کشور را تغییر می‌داد، برنامه‌های توسعه‌ی پنج‌ساله نیز که در سازمان برنامه و بودجه طراحی شده بود انقلاب صنعتی کوچکی به همراه داشت (آبراهامیان، ۱۳۹۵، ۲۴۱). نمود این تغییرات در میزان شاغلین شهر کرج در حد فاصل سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ نیز پیدا بود. در این سال‌ها، درصد افراد شاغل در حوزه‌ی کشاورزی دو برابر شده و درصد آنها میان کل افراد شاغل کاهش یافته، در حالی که در حوزه‌ی صنعت، افراد شاغل پنج برابر شده‌اند (توسعه و عمران، ۱۳۵۱، ۲۱). در نتیجه‌ی دیدگاه تمرکزگرایی‌ی دولت مرکزی، سیاست‌های صنعتی‌سازی، انقلاب سفید، افزایش چند برابری قیمت نفت و بنا به آنچه آبراهامیان سیاست توسعه‌ی نامتوازن نامیده است (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ۳۸۲-۴۱۲)، مهاجرت‌ها تشدید شد و هم‌زمان نابرابری‌های اجتماعی نیز فزونی یافت. شکل‌گیری سکونتگاه غیر رسمی تپه‌ی مرادآب از اوایل ۱۳۵۱ نمودی از این نابرابری اجتماعی است. طرح تفصیلی کرج که در سال ۱۳۵۳ تهیه شد، جمعیت شهر کرج را ۹۵،۴۳۲ نفر برآورد کرده است و جمعیت این تپه را ۴۹،۶۴۵ نفر عنوان کرده است. به عبارتی سکونتگاه غیر رسمی تپه مرادآب، ۳۴ درصد کل جمعیت کرج را تشکیل می‌داد (توسعه و عمران، ۱۳۵۳، ۷). پیدایش این سکونتگاه‌ها، ریشه‌های متعددی دارد. اما نادیده انگاری سیاست‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، خود به این مسأله دامن زده است. بیات معتقد است از دهه‌ی ۱۳۲۰، با شروع به کار برنامه‌ریزی شهری، نظام محله‌ای سابق جایش را به یک الگوی طراحی شده‌ی منطقه‌ای داد که عمدتاً بر نوعی جداسازی طبقاتی متکی بود. گروه‌های کم درآمد همواره در طرح‌های جامع شهری نادیده گرفته می‌شدند (بیات، ۱۳۹۱، ۵۷). با وجود تحولات دهه‌ی پنجاه و انقلاب اسلامی، طرح جامع کرج فرصت تحقق نیافت. هر چند که عدم توجه به واقعیات جامعه در طرح‌های جامع، خود یکی از عوامل تحقق انقلاب اسلامی بود. «مسائل مربوط به املاک غیرمنقول، نقش طرازاولی در انقلاب اسلامی ایران ایفا کرده بود» (هورکاد، ۱۳۸۵، ۱۳۲). با وجود تقاضای بیش از اندازه برای زمین و مسکن، در دوسال پس از انقلاب «کلیه‌ی شهرهای ایران و به‌ویژه تهران، اوجی از رونق را در زمینه‌ی دستیابی به اموال غیر منقول پشت سر نهادند که در سراسر تاریخ کشور بی‌سابقه بود. طی چند ماه، ده‌ها هزار خانه‌ی شخصی، بدون اخذ مجوز بر روی زمین‌های خالی که به جبر اشغال شده بود، به شیوه‌ای آبرومندانه و قابل قبول ساخته شد» (همان). بعد از گذشت دو سال از انقلاب اسلامی، قیمت زمین و مسکن دوباره اوج می‌گیرد. در خلاء برنامه‌ریزی و نظارت بر شهرها، عملاً گسترش کرج نوعی آشفتنگی را تجربه کرد. جمعیت رجایی شهر در یک دوره ده‌ساله (۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵) از ۸،۰۰۰ نفر به ۱۱۷،۰۰۰ نفر رسیده

الگویی که در آن مرکز، پیرامون را تحت سلطه‌ی خود قرار می‌دهد» (آبراهامیان، ۱۳۹۵، ۲۴). با موج افزایش جمعیت، در دهه‌های میانی قرن چهاردهم، و همجواری شهر کرج با پایتخت ایران و کم‌رنگ شدن امرار معاش وابسته به روش‌های سنتی از قبیل زراعت و دامپروری در نقاط مختلف ایران، پدیده‌ی مهاجرت اتفاق افتاده و در بازه‌ی کوتاه زمانی گسترش می‌یابد. طرح جامع سال ۱۳۵۱، عوامل زیر را به‌عنوان دلایل رشد سریع کرج، حد فاصل سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۱ می‌داند: نزدیکی کرج به پایتخت؛ ارزانی زمین نسبت به شهر تهران؛ ارزانی کرایه مسکن نسبت به تهران؛ ایجاد کارخانه‌های بزرگ و کوچک در داخل و اطراف در ده سال گذشته؛ مساعد بودن آب و هوا و دسترسی به مواد غذایی که نسبتاً شهر تهران ارزان‌تر می‌باشد، گذشتن شاهراه به شمال و غرب کشور و با در نظر گرفتن موارد فوق می‌توان گفت از عده کسانی که برای کاربایی به تهران روی می‌آورند، قسمتی از آنها کرج را به تهران رجحان می‌دهند (توسعه و عمران، ۱۳۵۱، ۷).

بررسی جدول ۳ نشان می‌دهد که شهر کرج در دوره ۵۵ ساله (۱۳۳۵-۹۰) از یک شهر کوچک با جمعیت ۱۴،۵۰۰ نفر با میزان رشد سالانه ۸/۹ درصد به یک شهر با جمعیت ۱،۷۵۹،۳۱۴ نفر ارتقاء پیدا کرده است. در میان شهرهای بزرگی مانند تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، کرج، شیراز، اهواز و قم، این شهر با میزان رشد ۸/۹ درصد در دوره (۱۳۳۵-۹۰) رشد جمعیت بیشتری داشته است. اوج این رشد در دوره (۱۳۶۵-۷۵) با میزان ۱۳/۱ درصد بوده است. مساحت بافت شهری، در دوره ۴۰ ساله ۴۵ تا ۸۵، بیش از ۶۳ برابر شده است (رازقی و همکاران، ۱۳۹۰، ۸۳). جذب جمعیت کرج با دلایل و مقصودهای متفاوت و بعضاً متعارضی صورت می‌گرفت. از یک سو، بخشی از جمعیت سرریز تهران در آن اقامت می‌کردند. هورکاد، تهران پس از انقلاب را شاهد ظهور یک حومه‌ی واقعی می‌داند که متشکل از روستاهایی بود که شهرنشینان تهرانی در آن اقامت اختیار کردند و همچنین شهرهایی که به شتابی بی‌سابقه در سراسر تاریخ ایران، به راه توسعه افتادند. وضع اراضی واقع در فضاهای پیرامونی کرج، چون مهرشهر (گلشهر سابق) و پارچانی شهر (گوهردشت سابق) که در مجال نزدیک به پانزده سال از حالت اراضی بایر و یا روستائی به هیأت شهرهای گاه ۲۰۰ هزار نفری تغییر وضعیت دادند (هورکاد، ۱۳۸۸، ۱۶۹). از سوی دیگر، سیل مهاجرت‌ها، به ایجاد سکونت‌گاه‌های غیررسمی منجر شد که معروف‌ترین نمونه‌ی ایران با عنوان اسلام‌آباد (زورآباد) در تپه مرادآب شکل گرفت. ساکنان این سکونتگاه، عمدتاً از زنجان (۳۴ درصد) و آذربایجان (۲۳ درصد) از سال‌های ۱۳۵۰ شروع به اسکان در این محل کردند. طبق مطالعات، درآمد سرانه جمعیت ایران طی سال ۱۳۴۰، معادل ۱۷۵ دلار بوده است در حالی که درآمد سرانه جمعیت شهر کرج در سال ۱۳۴۵، معادل ۲۴۰ دلار بوده است (توسعه و عمران، ۱۳۵۱، ۸). در نقشه‌ی وضع موجود کرج در سال ۱۳۵۱، به خوبی ماهیت باغی و زراعی بودن کرج پیداست (نقشه ۳).

حد فاصل سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، ایران شاهد تحولات اساسی در زمینه‌ی معیشت و زمین بود. قانون اصلاحات ارضی، زمینه‌ی دگرگونی‌های بسیاری را فراهم کرد. حکومت ایران با اقدامات خود، زمینه‌ی تمرکزگرایی بیش از پیش و مبتنی بر دخالت دولت را ایجاد کرد. «محمد رضا شاه رؤیای رضاشاه را برای تکوین یک ساختار دولتی



قلمرو پیشنهادی طرح ساختاری-راهبردی کرج را نشان می‌دهد. طرح ساختاری-راهبردی کرج که در سال ۱۳۹۰ تهیه شده است، سه قانون را برای توسعه‌ی آینده‌ی کرج متصور می‌شود (نقشه ۶). این طرح، محدوده‌ی قانونی در حدود ۱۷,۴۹۵ هکتار را برای افق سال ۱۴۰۰ کرج پیشنهاد داده است. در حالی که حریم مصوب ۲۳,۶۸۱ هکتار بوده است، حریم پیشنهادی برای همان افق، ۳۵,۳۳۹ هکتار متصور شده است (باوند، پارسبوم، ۱۳۹۰، ۳۵). در تصویر ۵، سیر تحول شهر کرج تحت اثر مؤلفه‌ی قدرت نشان داده شده است.

### تفاوت

براساس تحولات جمعیتی شهر کرج مطابق نمودار رشد سالانه آن، و گسترش و گسترش محدوده شهر، این شهر بخش عمده‌ی جمعیت خود را از مهاجرت به‌دست آورده است. که این مهاجران دارای تنوع بالای ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی بوده و هستند. اما شهر کرج به لحاظ مکان‌گزینی مهاجران به نظر می‌رسد دارای ساختار پیچیده‌تر و پراکنده‌تری نسبت به شهرهای بزرگی چون مشهد و تهران می‌باشد. به بیانی دیگر بر خلاف شهرهایی چون تهران و مشهد که شکاف اجتماعی-اقتصادی آن در شمال و جنوب (تهران) و شرق و غرب (مشهد) کاملاً مشخص است، پراکندگی سطوح اجتماعی-اقتصادی در سطح شهر کرج بسیار بالاست به طوری که نمی‌توان برای آن جهت جغرافیایی قائل شد. نکته مهمی که در این بررسی و تحلیل باید به آن توجه کرد این است که: علی‌رغم مهاجرت‌های گسترده به کلانشهر کرج که اساساً علت‌العلل تحولات این شهر است، مهاجران واردشده به‌طور عمده از اقشار متوسط و همچنین درصد کمی از اقشار پردرآمد تشکیل شده‌اند و همین امر سبب شده که گونه‌های مختلفی از اقشار اجتماعی-اقتصادی در فضاهای همجوار مستقر گردند و یک ترکیب موزاییکی از نحوه‌ی استقرار

و جمعیت مهرشهر از ۴,۰۰۰ نفر به بیش از ۵۷,۰۰۰ نفر افزایش یافته است (آتک، ۱۳۷۱). در سال ۱۳۶۵ مساحت شهر در داخل محدوده موجود بالغ بر ۱۳۰۳۶ هکتار و مساحت آن در داخل محدوده پیشنهادی ۱۴,۹۲۳ هکتار است (نقشه ۴). طرح جامع کرج در سال ۱۳۶۵ توسط مهندسان مشاور پژوهش و عمران تهیه شد و مهم‌ترین ویژگی آن یکپارچه کردن کرج، رجایی شهر، مهرشهر، فردیس و میان جاده در قالب کرج بزرگ بود. اراده و تصمیم دولت، بر تمرکززدایی از پایتخت و تعادل بخشی به تهران بود. با این هدف، تلاش می‌کرد بخشی از کاربری‌های ملی را در کرج مکانیابی کند.

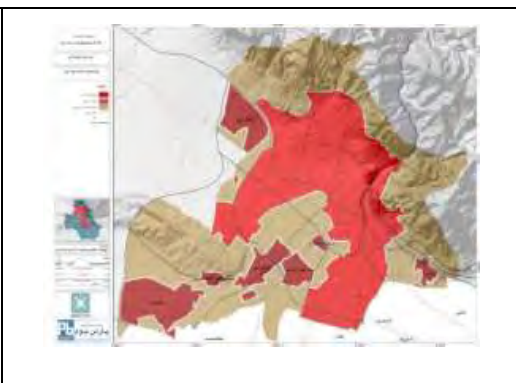
در حالی که مساحت شهر کرج در سال ۱۳۵۱، حدود ۳,۹۳۶ هکتار بود، در طرح تفصیلی پیشنهادی سال ۱۳۷۱، این عدد به ۱۴,۳۷۲ هکتار رسید. تهیه طرح مجموعه شهری تهران، در مهرماه سال ۱۳۷۴، آغاز شد. ساختار کالبدی پیشنهادی طرح برای مجموعه شهری تهران «منظومه‌ای و چند مرکزی» است که مشروط به دخالت‌های مؤثر، تحقق این ساختار امکان‌پذیر ارزیابی شده است. در این الگو که با سیاستی که «تمرکز زدایی همراه با ایجاد تراکم» عنوان گرفت، هدف آن است که عملکردهای غیر متناسب با هسته مرکزی شهر تهران جابه‌جا شده و به مراکز منطقه‌ای مانند کرج و اسلام‌شهر انتقال یابد و منظومه‌های شهری به تدریج مجهز شوند و به مراکزی بالنسبه خود کفا بدل گردند (پژوهش و عمران، ۱۳۷۱، ۴). «از سال ۱۳۶۵ به بعد، محله‌های مرکزی تهران، بخشی از جمعیت خود را از دست داده‌اند، در حالی که بر جمعیت مهرشهر کرج سالیانه ۲۸ درصد افزوده شده است» (هورکاد، ۱۳۸۸، ۱۶۰-۱۶۱). محدوده‌ی مطالعاتی طرح ساختاری راهبردی که در سال ۱۳۸۵ در دست مطالعه بود مساحت بیش از ۱۶,۹۰۰ هکتار را در بر گرفت. این محدوده، افزون بر سطوح واقع در محدوده قانونی شهر (مساحت حدود ۱۵,۹۰۰ هکتار) (باوند، ۱۳۸۱، ۲۷). نقشه ۵ موقعیت و



نقشه ۲- وضع موجود کرج سال ۱۳۵۱. مأخذ: (توسعه و عمران، ۱۳۵۱، ۱۴) نقشه ۴- وضع موجود کرج سال ۱۳۶۵. مأخذ: (پژوهش و عمران، ۱۳۶۶، ۲۵)



نقشه ۶- الگوی توسعه سه قانونی برای کرج. مأخذ: (باوند، پارس بوم، ۱۳۹۰)



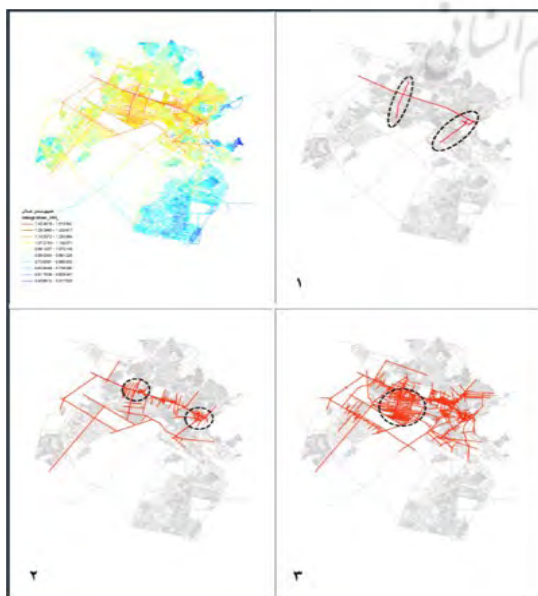
نقشه ۵- موقعیت و قلمرو محدوده کرج. مأخذ: (باوند، پارس بوم، ۱۳۹۰)

این گروه‌ها به نمایش گذاشته شود. احتمالاً در هیچ یک از شهرهای بزرگ ایران این چنین ساختار فضایی-کالبدی از نحوه استقرار گروه‌های مختلف دیده نمی‌شود. براساس مطالعات انجام شده ۱۳۶ محله شهر کرج براساس ۱۰ شاخص اصلی (وضعیت تحصیل، وضعیت اشتغال و فعالیت، وضعیت مهاجرت و تولد، نحوه تصرف محل سکونت و اتاق در اختیار، وضعیت خانوارها، سرانه‌ها، شاخص‌های ترکیبی، و سایر شاخص‌ها) و ۸۲ شاخص فرعی اجتماعی-اقتصادی (بر اساس داده‌های نفوس و مسکن مرکز آمار) سطح‌بندی شده و سطح توسعه اجتماعی-اقتصادی آن‌ها مشخص شده است. بر اساس این مطالعات کل محلات شهر کرج (۱۳۶ محله) در ۵ گروه سطح‌بندی شده‌اند که نقشه ۷ این سطوح را در محدوده محلات نشان می‌دهد.

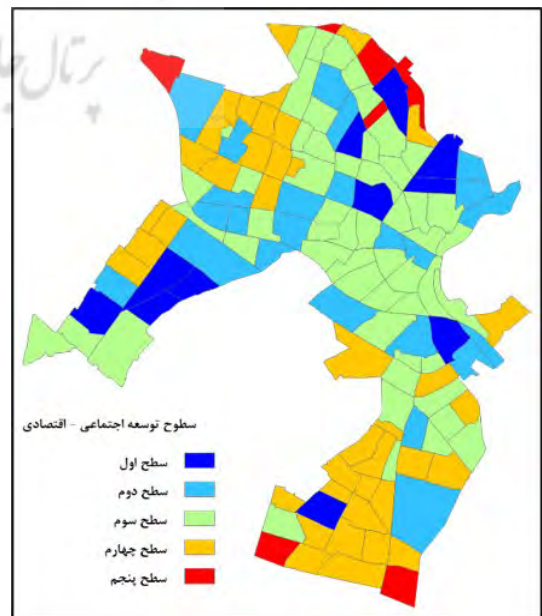
ارزش هم‌پیوندی کلان معیار و فضاهای باز شهر کرج نشان می‌دهد، این شهر دارای یک ساختار متمرکز و وابسته به محورهای مرکزی است و به جز یک محور اصلی شرقی-غربی (خیابان بهشتی) سایر محورها در فاصله‌ی زیادی به لحاظ ارزش هم‌پیوندی با محور اصلی قرار دارند. نقشه ۸ ارزش هم‌پیوندی کلان را در محورهای شهر کرج نشان می‌دهد. خطوط قرمز رنگ ارزش هم‌پیوندی بالا را نشان می‌دهند و هرچه به رنگ آبی نزدیک می‌شود، ارزش هم‌پیوندی کاهش می‌یابد. بنابراین این شکل نشان می‌دهد با افزایش فاصله از محور مرکزی (خیابان بهشتی) به سمت جنوب و شمال، ارزش هم‌پیوندی به‌ویژه در لبه‌ها، کاهش می‌یابد. پایین بودن ارزش هم‌پیوندی در بخش‌های شمالی و ارتفاعات و همچنین ورودی و مناطق جنوب شرقی شهر شدت بیشتری نسبت به سایر مناطق دارد. این مناطق تا مرحله چهارم و پنجم، فاقد محور اتصال دهنده با ارزش هم‌پیوندی بالا به بخش‌های مرکزی هستند. این نتایج نشان می‌دهد در سطح کلان مناطق جنوبی و شمالی دارای ضعف ساختاری و ارتباطی با مناطق مرکزی هستند که عدم توجه به این امر در توسعه شهر کرج می‌تواند انزوای فضایی این مناطق را در آینده تشدید نماید. بررسی ارزش هم‌پیوندی میانی و کلان در سطح شهر کرج نشان می‌دهد مناطق شمالی، شرقی، جنوب شرقی و بخش‌های از مناطق جنوب غربی دارای ضعف ساختاری در اتصال و پیوند با

قدرت در مقیاس ملی	قدرت در مقیاس محلی
<p>ظرفی نیروی طبیعی</p> <p>اشباع نهرهای مختلف از رودخانه کرج</p> <p>ظرفی نقش کشاورزی و باغ بر هسته‌های مسکونی</p>	<p>کرج به عنوان بیلاق شاهان</p> <p>کرج به عنوان محل گذر به شهرهای مهم‌تر</p>
<p>داد قطب صنعتی در مقیاس ملی در جنوب کرج (۲۰۰۰۰ هکتار)</p> <p>ساخت جاده‌ی چالوس</p>	<p>۱۳۰۰</p> <p>ساخت مؤسسات مختلف علمی (موسسه‌ی رازی- دانشکده کشاورزی و -)</p> <p>اقدامات سرمایه‌گذاران خصوصی همچون فتح بزی</p> <p>شکل‌گیری محلات کارگری حول مراکز صنعتی</p>
<p>کودنای سال ۱۳۳۲ و تغییر سیاست کلان بر نسبت قدرت</p> <p>انحاز سیاست تمرکز گرایی</p> <p>بازی در قالب برنامه‌های ۵ ساله توسعه سازمان برنامه و بودجه</p> <p>ساخت خط آهن تهران- تبریز و گذر آن از جنوب کرج- ۱۳۳۷</p> <p>قانون اصلاحات ارضی</p>	<p>۱۳۳۲</p> <p>شکل‌گیری محلات چهارصد دستگاه و جهانشهر</p> <p>بزرگ شدن نقش صنعت در گسترش کرج</p>
<p>ساخت ایوان تهران- کرج در سال ۱۳۳۵</p> <p>تفسیر مناسبات مالکیتی</p> <p>سیاست توسعه‌ی ناموزون</p> <p>لبست لخت و سوزن‌بند سرمایه‌ی مزارع به بخش زمین و مسکن</p> <p>افزایش شکاف طبقاتی و ناعادلانی اجتماعی</p> <p>بموت تشکیل وزارت مسکن و شورای عالی شهرسازی و معماری</p>	<p>۱۳۴۲</p> <p>شروع مهاجرت در اثر سیاست تمرکزگرایی</p> <p>ساخت کاخ مروارید در سال ۱۳۳۷</p> <p>شکل‌گیری هسته‌های سکونتی چون رجایی شهر و مهرشهر</p> <p>شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی از جمله زورآباد</p> <p>افزایش سهم بخش صنعت و خدمات و اول بخش کشاورزی</p> <p>نبرد طرح و برنامه در چینه‌بندی به گسترش شهر</p> <p>عملی نشان طرح جامع کرج ۱۳۵۱</p> <p>محدوده ۱ قلمرو شهر ۳۹۰۰ هکتار</p>
<p>سیاست سوم انقلابی</p> <p>تست دولت جدید</p> <p>قانون لغو مالکیت ارضی موت شهری</p>	<p>۱۳۵۹</p> <p>تعیین تکلیف ارضی و املاک پلانکلیف</p>
<p>انحاز جنگ</p> <p>مهاجران جنگی مناطق جنوب کشور</p> <p>ادامه‌ی سیاست تمرکزگرایی</p>	<p>۱۳۵۹</p> <p>تفسیر کاربری ارضی کشاورزی</p> <p>بی توجهی به ضوابط شهری در فرایند گسترش شهر</p>
<p>تعمیم دولت- بر تمرکزگرایی از پایتخت و نماد بخش به تهران</p> <p>مکالماتی بخشی از کاربری‌های ملی در کرج</p> <p>طرح سامانه‌ی تهران در سال ۱۳۶۱</p> <p>سیاست «تمرکز رهایی همراه با ایجاد تراکم»</p> <p>تصویب قانون شوراها اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۵</p> <p>انتخاب خط ۵ مترو تهران- کرج در سال ۱۳۷۷</p>	<p>۱۳۶۵</p> <p>طرح جامع ۱۳۶۶</p> <p>یکپارچه کردن کرج، رجایی شهر، مهرشهر، فردیس و میان</p> <p>جاده دروازه کرج بزرگ</p> <p>مقارعات طرح تفصیلی کرج در سال ۱۳۷۱</p> <p>شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی دیگر</p> <p>نقش‌افزین حکمروایی محلی</p> <p>سوداگری زمین و مسکن</p> <p>تشدید مهاجرت‌ها به کرج</p> <p>سوزن‌بندی محلی تهران به کرج</p> <p>افزایش جمعیت هسته‌های چون مهرشهر و رجایی شهر</p>
<p>ادامه‌ی سیاست تمرکزگرایی از پایتخت</p> <p>قانون ایجاد شهرهای جدید در سال ۱۳۸۰</p>	<p>۱۳۸۰</p> <p>طرح تفصیلی کرج ۱۳۸۱</p> <p>در نظر گرفتن سه کانون برای توسعه‌ی آینده‌ی کرج</p> <p>محدوده‌ی قانونی شهر ۱۶۹۰۰ هکتار</p>
<p>نشان شدن لرزه و استقلال کرج از تهران</p> <p>تصویب کمر بزرگراه هست از شمال کرج</p> <p>گسترش خط ۵ مترو تا شهر جدید هشتکورد- ۱۳۸۸</p>	<p>۱۳۸۹</p> <p>طرح جامع راهبردی- ساختاری کرج ۱۳۹۰</p> <p>سنه ارتقاء کیفی سیمای و منظر کرج</p> <p>سنه چشم‌انداز ۱۴۰۴ کرج</p> <p>بازنگری طرح تفصیلی کرج</p>

تصویر ۵- تأثیر مؤلفه‌ی قدرت بر دگرگونی شهر کرج در طول زمان.



نقشه ۸- محورهای دارای اهمیت در تحلیل هم‌پیوندی کلان.



نقشه ۷- سطح‌بندی محلات کرج بر اساس معیارهای اجتماعی و اقتصادی.

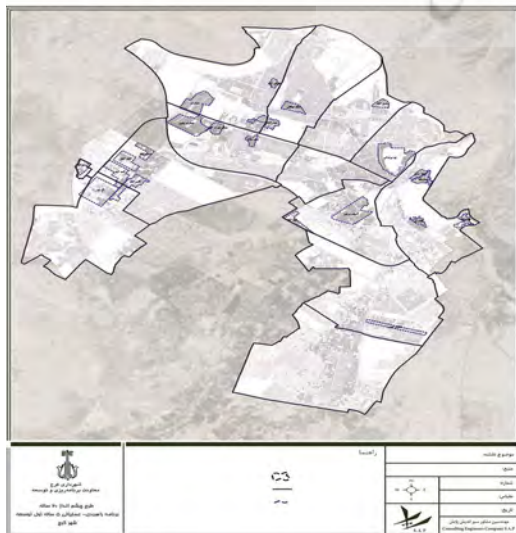


بزرگراه قزوین-کرج از میان بافت شهری است. اتصال ضعیف بخش‌های شمالی به مناطق مرکزی، ارتباطات ضعیف محورهای شمالی جنوبی را در اتصال این مناطق نشان می‌دهد که نیازمند تقویت هستند. ضعف اساسی پیوند مناطق شرقی به‌عنوان ورودی شهر نیز یکی از مسائل مهم ساختاری شهر است. تحلیل رابطه میان ارزش‌های فضایی چیدمان فضا (انتخاب و هم‌پیوندی) و توسعه اجتماعی-اقتصادی محلات انجام شده است. نتایج براساس جدول ۲ به شرح زیر است.

نتایج نشان می‌دهد علیرغم آنکه میان ارزش ساختاری محلات و سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی-اقتصادی آن رابطه معنادار و مستقیم برقرار است، اما به علت پایین بودن میزان همبستگی (کم‌تر از ۰/۵) این رابطه بسیار ضعیف است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، پراکنش جمعیت با ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت کم‌تر تحت تأثیر ویژگی‌های ساختاری آن بوده است. در بررسی خوانایی شهر و محلات شهر کرج از روش چیدمان فضا استفاده شده است. براساس تعریف خوانایی در تحلیل چیدمان فضا، وضوح شهر ارتباط مستقیمی با مفهوم بازسازی کل شهر در ذهن و کنار هم چیدن قطعات شهر در کنار یکدیگر دارد. بنابراین، وضوح یک شهر رابطه‌های است میان ویژگی‌های محلی و فراگیر فضای شهری. بنابراین خوانایی شهر کرج در سه سطح خوانایی محلات و مناطق در سطح شهر و خوانایی محلات در سطح مناطق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

رابطه رگرسیونی میان مقادیر هم‌پیوندی کلان و میانی نشان دهنده میزان خوانایی مناطق در سطح شهر و رابطه رگرسیونی میان مقادیر هم‌پیوندی کلان و محلی میزان خوانایی محلات را در سطح شهر نشان می‌دهد. همچنین برای سنجش میزان خوانایی محلات در سطح مناطق رابطه رگرسیونی بین هم‌پیوندی میانی و محلی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این روابط هرچه مقدار  $R^2$  از ۰/۵ به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده افزایش میزان خوانایی و هرچه از ۰/۵ به سمت صفر نزدیک‌تر شود، نشان‌دهنده ضعیف شدن خوانایی می‌باشد. براساس نتایج به‌دست آمده علی‌رغم بالابودن میزان خوانایی محلات در سطح مناطق، میزان خوانایی مناطق و محلات در سطح شهر پایین است. این امر نشان از نبود انسجام فضایی و قابلیت تصور شهر در سطح کلان دارد.

یکی از مشخصاتی که منتج از دگرگونی شهر کرج است،

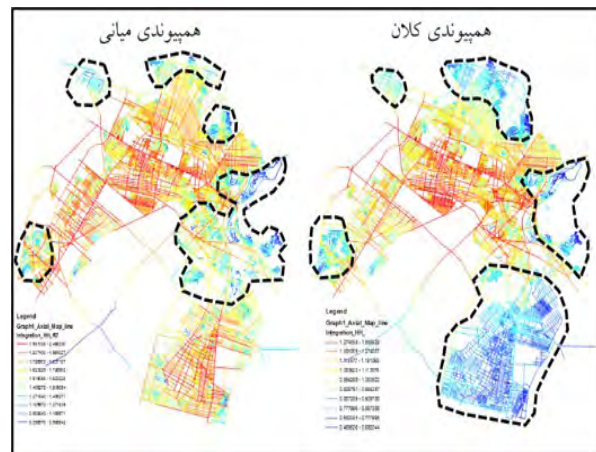


نقشه ۱۰- پراکنده‌گی محلات سکونت‌گاه‌های غیررسمی کرج. مأخذ: (پرداراز، ۱۳۸۷)

سایر مناطق به‌ویژه مناطق مرکزی که دارای ارزش هم‌پیوندی بالایی هستند، می‌باشند. همچنین نتایج نشان می‌دهد در حالی که دسترسی به مناطق جنوبی نسبت به سطح کلان دشوار است، دسترسی به درون این بافت‌ها ساده است. که این امر نشان از ضعف اتصال این مناطق دارد نه ضعف ساختار درونی آن‌ها. گسست فضایی این مناطق، یکی از تهدیدهای اصلی ساختار، سازمان فضایی و ادراکی شهر کرج محسوب می‌شود که باید در فرآیند توسعه شهر مورد توجه قرار گیرد (نقشه ۹). در نقشه ۱۰ سکونت‌گاه‌های غیررسمی نشان داده شده‌اند. مقایسه‌ی این سکونت‌گاه‌ها و هم‌پیوندی محلات کرج، از یک همبستگی حکایت دارد.

## تحلیل

شهر کرج به‌عنوان یک پدیده در میان شهرهای بزرگ ایران محسوب گردد. شهر کرج، یکی از بالاترین نرخ رشد‌ها در میان شهرهای ایران دارد. این رشد انفجاری دلایل متعددی دارد. اما مهم‌ترین عامل دگرگونی این شهر، مؤلفه‌ی قدرت است. این مؤلفه، در بردارنده‌ی نیروهای مختلف تصمیم‌گیر حاکمیتی و همچنین نیروهای غیر رسمی اما پرنفوذ است. طی نیم‌قرن گذشته، سیاست‌های مختلف، در ابتدا اراده‌ی ایجاد یک مرکزیت قوی داشت. این اراده در کنار سیاست توسعه‌ی نامتوازن، تصمیم به صنعتی کردن جامعه، افزایش قیمت نفت و رونق گرفتن صنایع (خصوصاً در بخش صنعت ساختمان)، مهاجرت‌ها را به سمت تهران تشدید کرد. همچنین تحکیم دولت دیوانی و توسعه‌ی بخش خدمات، این حوزه را به شدت پر رنگ کرد. لذا مؤلفه‌ی قدرت، نقش مهمی در دگرگونی طبیعت و ایجاد طبیعت دوم داشته است. با عنایت به مدل مفهومی تحقیق، و نقشه ۷، ایجاد طبیعت دوم و حضور گروه‌های متفاوت اجتماعی، به بروز و ظهور مؤلفه‌ی «تفاوت» نینجامیده است و اندرکنش اجتماعی به‌صورت مطلوب رخ نداده است. بلکه مطابق تحلیل دموگرافیک محلات کرج، مهاجرت اقشار مختلف به شهر کرج، صرفاً به همجواری این گروه‌ها منجر شده است. این همجواری محلات از طریق تحلیل هم‌پیوندی محلات نیز ثابت شد. مطالعات مفصل در تحلیل ساختاری و چیدمان فضایی شهر کرج نشان از ضعف ساختار فضایی این شهر در مقیاس کلان دارد. نبود ارتباطات قوی بین سه بخش شمال مرکزی، جنوب شرقی و جنوب غربی منجر به گسستگی فضایی و کاهش خوانایی این شهر گردیده است که یکی از علل اصلی آن عبور



نقشه ۹- حوزه‌های جداافتاده در تحلیل هم‌پیوندی کلان و میانی.

مسأله‌دار حصارک و غیره از دیگر نمونه‌های موزاییکی بودن بافت شهر است. اگر در برخی شهرها، اختلاف تراز ارتفاعی استعاره‌ای از اختلاف طبقاتی است، در کرج این تعریف مصداق ندارد و «جاده» استعاره‌ای از افقی بودن مناسبات است. ویژگی چنین شهری، هم‌جواری طبقات فقیر است. خیابان بهشتی در کرج، تنها یک پدیده‌ی ارتباطی است که به مرور به هم‌پیوندترین خیابان شهر بدل شده است. به عبارتی، کرج «شهری کوه‌پا» است. کرج با وجود هم‌جواری با البرز، چندان آرزومند رسیدن به آن را ندارد و برای کرج، صرفاً تکیه‌گاه است. تصویر ۶، اثر سه نیروی قلمرو، قدرت و تفاوت بر فرایند دگرگونی فرم نشان داده شده است.

درهم‌ریختگی طبقات اجتماعی است. برخلاف معمول دیگر مادرشهرها که به‌طور نسبی دارای طبقه‌بندی مشخصی هستند، کرج شاهد درهم‌آمیزی این طبقات است. در شهری مثل کرج، سکونت‌گاه‌های غیررسمی در هم‌جواری مناطق مرفه‌نشین شکل گرفته است به گونه‌ای که در برخی موارد تعیین حد و مرز آن‌ها نیز مشکل است. یکی از شاخص‌ترین سکونت‌گاه‌های غیررسمی ایران در شهر کرج شکل گرفته است که با نام زورآباد (اسلام‌آباد) و بر روی مهم‌ترین تپه‌ی شهر یعنی مرادآب شکل گرفته است. درست در هم‌جواری این سکونتگاه، محله‌ی مرفه‌نشین عظیمیه شکل گرفته است. هم‌نشینی محله مرفه‌نشین مهرشهر کرج و محله سهرابیه، محله‌ی مرفه‌نشین گوهردشت و بافت

جدول ۲- همبستگی میان شاخص‌های ساختاری چیدمان فضا (انتخاب و هم‌پیوندی) و سطح توسعه اجتماعی-اقتصادی محلات.

شاخص هم‌پیوندی Integration			شاخص انتخاب Choice			مدل آزمون همبستگی	پیرسون
integration_R7 شاخص هم‌پیوندی در مقیاس میانی و منطقه‌ای	integration_R3 شاخص هم‌پیوندی در مقیاس محلی	integration_Rn شاخص هم‌پیوندی در مقیاس کلان	choice_R7 شاخص انتخاب در مقیاس منطقه‌ای و میانی	choice_R3 شاخص انتخاب در مقیاس محلی	Choice شاخص انتخاب در مقیاس کلان		
۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۳۲	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۲۵	ضریب همبستگی	توسعه اجتماعی - اقتصادی
۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۰	Sig. (1-tailed)	
۱۳۶	۱۳۶	۱۳۶	۱۳۶	۱۳۶	۱۳۶	N	



تصویر ۶- نیروهای مؤثر بر دگرگونی فرم شهر کرج و اثر آن‌ها.

## نتیجه

حکومت‌ها، کرج به مثابه یک مرکز در مقیاس فرا شهری عمل کرده است. اراده‌ی حکومت بر صنعتی کردن جامعه و تعریف کرج به‌عنوان قطب صنعتی کشور، تحولات اجتماعی همچون انقلاب سفید ۱۳۴۲ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، بالارفتن قیمت نفت و رونق صنعت ساختمان، سیاست ایجاد سلسله‌مراتب مراکز خدماتی برای تعادل بخشی به تهران، موجب تشدید مهاجرت‌ها به این شهر شد.

اما به دلیل نبود سیاست هماهنگ و نداشتن برنامه‌ای مشخص و اجرا نشدن طرح‌های در نظر گرفته شده، حضور اقشار مختلف، به ایجاد مؤلفه‌ی «تفاوت» و افزایش اندک‌اندک اجتماعی منجر نشده است و محلات مختلف کرج، صرفاً هم‌جواری یکدیگر قرار گرفته‌اند. این مهاجرت‌ها به پدیده‌ای بدل شد که کم‌تر در شهرهای ایران مشابه داشته است و آن حاکم‌شدن مناسبات هم‌جواری در شهر کرج است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرم شهر کرج، مرزها و مراکز هستند. مرزهای طبیعی چون رشته کوه البرز در شمال، رودخانه‌ی کرج در شرق، رود دره‌ی دلمبر در

شهر کرج با وجود پیشینه‌ی کهن، بیشتر فرم کالبدی خود را مدیون تحولات سریع پس از سال‌های ۱۳۳۵ است. خاستگاه شهر کرج، بر نیروهای طبیعی منحصربه‌فرد آن و هم‌جواری با رشته کوه البرز و رودخانه کرج استوار است. این شخصیت کرج، آن را به بیلاقی مناسب بدل کرده بود که برخی از کاخ‌ها و ادارات مهم مملکتی در آنجا استقرار یافتند. هم‌زیستی ساکنان این ناحیه و بهره‌گیری از رودخانه‌ی کرج برای مصارف کشاورزی، به ایجاد زیرساخت‌هایی انجامیده است که خطوط کلی توسعه‌ی آینده‌ی کرج را تعیین کرده است. انشعاب کانال‌هایی از رودخانه‌ی کرج برای آبیاری زمین‌های کشاورزی و همچنین تقسیم زمین‌ها، از مهم‌ترین اقدامات ساکنان این ناحیه برای ایجاد طبیعت دوم است. اما با تحولات ملی و بین‌المللی پس از سال‌های ۱۳۴۰ شمسی و تغییر سیاست‌های حکومتی و فراگیری مهاجرت‌ها، کرج به یکی از مقاصد مهم مهاجران تبدیل شد. به عبارتی، مؤلفه‌ی قدرت در دگرگونی فرم کرج نقش بسزایی ایفا کرده است و با وجود سیاست تمرکزگرای



توسعه‌ها ایجاد شدند و یکی از دلایل پراکنده‌روی شهر کرج، مراکز بدون ارتباط با یکدیگر هستند. نبود اتصال گروه‌های همجوار، نمود فیزیکی نیز یافته است و در فرم شهر کرج هویدا است. وجود فضاهای رهاشده‌ی فراوان، همجواری محلات مرفه و سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کنار یکدیگر، درهم‌ریختگی و موزائیکی بودن گروه‌های اجتماعی مختلف، هم‌پیوندی ضعیف محلات مختلف در سطح کلان و میانی، بخشی از تجلیات این مناسبات همجواری در فرم کالبدی شهر کرج است.

راجرز، ریچارد (۱۳۸۷)، *عینیت در معماری*، ترجمه امیراعلا عدیلی، انتشارات همام، تهران.

رازقی، حبیب‌الله؛ زاری، کرامت‌الله و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۹۰)، مدل چندهسته‌ای و چندمرکزی شهر و کلانشهری، از نظریه تا عمل (مورد شهر کرج)، *فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی*، سال ۲۶، شماره ۱۰۲، صص ۷۳-۱۰۰. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیقی در علوم/اجتماعی*، نشر آگه، تهران.

سلطانی، علی؛ نامداریان، احمدعلی (۱۳۸۹)، بررسی نیروهای مؤثر بر تحولات شهری، *نشریه هویت شهر* (۷)، صص ۱۲۳-۱۳۰. شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی. نشر توس، تهران.

علی پور کوهی، پانته‌آ؛ زرآبادی، زهرا سادات سعیده و ماجدی، حمید (۱۳۹۸)، تحلیل فرم-ریخت‌شناسانه هسته تاریخی شهر خرم‌آباد با بهره‌گیری از تکنیک‌های Agraph و Spacemate، *نشریه نامه معماری و شهرسازی*، سال دوازدهم، شماره ۲۵، صص ۸۵-۱۱۰.

فرهادپور، مراد؛ ابازری، یوسف (۱۳۸۶) *عقل علیه عقل: ملاحظاتی در باب روشنگری*، مجله ارغنون.

کانتربت، الکساندر (۱۳۹۵)، *شکل شهرها، اقتصاد سیاسی و طراحی شهری*، ترجمه‌ی حمیدرضا پارسا، *آرزو افلاطونی*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران. گروتو، یورگ (۱۳۸۳)، *زیباشناختی در معماری*، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون: انتشارات دانشگاه بهشتی.

مدنی پور، علی (۱۳۸۱)، *تهران: ظهور کلانشهر*، ترجمه‌ی دکتر حمید زرآزوند، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، *طراحی فضای شهری*، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.

مرفیلد، اندی (۱۳۹۶)، *فضا و مکان*، ترجمه‌ی آیدین ترکمه، انتشارات تیسرا، تهران.

محملی ایبانه، حمیدرضا (۱۳۹۰)، مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن براساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا، *نشریه آرمانشهر*، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۵۹-۱۷۲.

نامداریان، احمدعلی؛ بهزادفر، مصطفی و خانی، سمیه (۱۳۹۵)، نقش شبکه‌ی مادی‌ها در سازمان فضایی اصفهان تاریخی؛ از آغاز تا پایان دوره صفوی، *نشریه مطالعات معماری ایران*، شماره ۱۰، صص ۲۰۷-۲۲۸.

هورکار، برنارد (۱۳۸۸)، *تهران-البرز*، ترجمه‌ی سیروس سهامی، انتشارات ترانه، مشهد.

هیلمیر، جین (۱۳۸۸)، *سایه‌های قدرت: حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی*، جامعه‌ی مهندسان مشاور ایران، تهران.

Acebillo, Josep, Jacques Le, and Christian Schmid. (2012), *Globalization of Urbanity*, ACTAR Publishers.

Bentley, Ian. (1999), *Urban Transformations: Power, People and Urban Design*. Routledge.

Capra, F. (1982). *The Turning Point: A New Vision of Reality*. Futurist, 16(6), pp.19-24.

غرب و همچنین مرزهای انسان‌ساخت چون بزرگراه کرج-قزوین و خط آهن تهران-تبریز در جنوب، فرم شهر کرج را تا اندازه‌ی زیادی تعریف کرده‌اند. علاوه بر این مرزهای فیزیکی، مرزهای اجتماعی و نامرئی زیاد دیگری در شهر هستند که سبب جدایی اقوام و طبقات مختلف شده‌اند. مرزهای نامرئی میان محلات اعیان‌نشین و بافت‌های مسأله‌دار که همجوار یکدیگر قرار دارند، کرج را به شهر مرزها تبدیل کرده است. یکی از مؤلفه‌های دگرگونی شهر کرج، هسته‌هایی هستند که در اطراف آن‌ها

## پی‌نوشت‌ها

1. Typological Process.
2. Diffusion of type in space.
3. Adaption.
4. Persistence.
5. Organism.
6. Origin.
7. Plot Cycle.
8. Disjunction.
9. Repletion.
10. Evolution.
11. Emergent.
12. Predictive.
13. Generative.
14. Origination.
15. Disruption.
16. Temporal hierarchy.
17. Persistence.
18. Power.
19. Territory.
20. Difference.
21. Territory.
22. Heterogeneity.
23. Diversity.
24. Minimal Difference.
25. Maximal Difference.
26. Induced Difference.
27. Produced Difference.

## فهرست منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۵)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه‌ی ابراهیم فتاحی، انتشارات نی، تهران.
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، نشر مرکز، تهران.
- آتک، مهندسان مشاور (۱۳۷۱)، *طرح ساماندهی تهران*.
- اشرف، احمد؛ بنوعیزی، علی (۱۳۷۲)، *طبقات اجتماعی در دوره‌ی پهلوی*، ترجمه‌ی عماد افروغ، *مجله راهبرد*، شماره ۲، صص ۱۰۲-۱۲۶.
- الیویرا، ویتور (۱۳۹۸)، *ریخت‌شناسی شهری؛ مقدمه‌ای بر مطالعه‌ی شکل کالبدی شهرها*، ترجمه‌ی مازیار عبایی، <http://www.mazyarabace.com/>
- باوند، مهندسین مشاور (۱۳۹۰)، *برنامه راهبردی و طرح ساختاری (جامع) حوزه شهریار-کرج*.
- باوند، مهندسین مشاور (۱۳۸۱)، *طرح تفصیلی کرج*.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۲)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.
- بیات، آصف (۱۳۹۱)، *سیاست‌های خیابانی؛ جنبش تهیدستان در ایران*، پردیس دانش، تهران.
- پژوهش و عمران، مهندسین مشاور (۱۳۶۶)، *طرح توسعه و عمران و حوزه نفوذ کرج بزرگ*.
- توسعه و عمران (۱۳۵۱)، *طرح جامع کرج*.
- پردازاز، مهندسین مشاور (۱۳۸۷)، *طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرج*.
- حبیب، فرح (۱۳۸۵)، *کند و کاوی در معنای شکل شهر، نشریه‌ی هنرهای زیبا*، شماره ۲۵، صص ۵-۱۴.
- داداش پور، هاشم؛ یزدانیا، احمد (۱۳۹۸)، *فضا را چگونه بخوانیم؟ از خوانش پدیدارشناسانه تا خوانش انتقادی فضا، دانش شهرسازی*، (۲)، صص ۱-۱۴.

- tugal (Vol. 3). Free Press of Glencoe.
- Hack, Gary. (2017). *the preindustrial city*. In designing cities: coursera..
- Kostof, S. (1991), "The City Shaped: Urban Patterns and Meanings Through History, Thames & Hudson." New York: P52.
- Kostof, S. (1992). *The city assembled*. Elem Urban Form Hist.
- Kropf, Karl. (2009) "Aspects of Urban Form." Urban Morphology, 13 (2): 105.
- Gutkind, E. A. (1964), *International history of city development: Urban development in Southern Europe: Spain and Portugal* (Vol. 3). Free Press of Glencoe.
- Lefebvre, H., & Nicholson-Smith, D. (1991). *The production of space* (Vol. 142). Blackwell: Oxford.
- Lefebvre, H. (1970). *Le manifeste différentialiste*.
- Lukes, S. (1986). *Power*, Oxford: Blackwell.
- Massey, D. (1991). *The political place of locality studies*. Environment and planning A, 23(2), pp. 267-281.
- Massey, D. (1994). 1994: *Space, place, and gender*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Moholy-Nagy, Sibyl. (1968). *Matrix of Man: An Illustrated History of Urban Environment*. Praeger.
- Scheer, B. C. (2016). *The epistemology of urban morphology*. Urban morphology, 20(1), pp. 5-17.
- Soja, E. W. (1989). *Postmodern geographies: The reassertion of space in critical social theory*. Verso.
- Whitehand, J W R, Michael P Conzen, and Kai Gu (2016), "Plan Analysis of Historical Cities: A Sino-European Comparison." Urban morphology 20 (2). int seminar urban form univ chicago, committee geographical studies, 5828 s university ave, 60637-1583 chicago, il USA: 139-58.
1. <http://bonyadefateh.com/fa-IR/Content/Detail/ aspx>  
2. <http://anthropology.ir/article/16002>
- Whitehand, J. W. R. (2016). *Recent changes in urban morphology*.
- Zieleniec, A. J. (2007). *Space and social theory*. Sage.
- Castells, M. (1977). *The urban question: A Marxist approach* (No. 1). Hodder Education.
- Carmona, Matthew, Tim Heath, T Oc, and S Tiesdell. (2003). *Public Place-Urban Space*. Nottingham: Architectural press.
- Carmona, M., de Magalhães, C., & Natarajan, L. (2018). *Design governance the CABA way, its effectiveness and legitimacy*. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 11(1), pp. 1-23.
- Cuthbert, A. (2006). *The form of cities: Political economy and urban design*. Malden. MA: Blackwell Pub.
- Duany, A., & Talen, E. (Eds.). (2013). *Landscape urbanism and its discontents: Dissimulating the sustainable city*. New society publishers.
- Diener, R., Herzog, J., Meili, M., de Meuron, P., & Schmid, C. (2013). *Switzerland—an Urban Portrait*: Vol. 1: Introduction; Vol. 2: Borders, Communes—a Brief History of the Territory; Vol. 3: Materials. Walter de Gruyter.
- Diener, Roger, Jacques Herzog, Marcel Meili, Pierre de Meuron, Manuel Herz, Christian Schmid, and Milica Topalović (2015), *The Inevitable Specificity of Cities: Napoli, Nile Valley, Belgrade, Nairobi, Hong Kong, Canary Islands, Beirut, Casablanca*. Lars Müller.
- Dovey, Kim. (1999). *Framing places: Mediating power in built form*. Routledge.
- Ellin, N. (2006). *Integral urbanism*. Routledge
- Giddens, Anthony (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Univ of California Press.
- Gilliland, J., & Gauthier, P. (2006). The study of urban form in Canada. *Urban Morphology*, 10(1), pp. 51.
- Harvey, David. (2008.) "The Right to the City." *New Left Review* 53 (53): 23-40.
- Harvey, David. (1985). *Consciousness and the urban experience: Studies in the history and theory of capitalist urbanization* (Vol. 1). Johns Hopkins University Press.
- Harvey, David. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso books
- Gutkind, E. A. (1964). *International history of city development: Urban development in Southern Europe: Spain and Por-*

## The Explanation of How Various Forces Influence Karaj Transformation Emphasizing on the 1950-2012 Period

*Ahmadali Namdarian\*\*<sup>1</sup>, Esmail Shie<sup>2</sup>, Mostafa Behzadfar<sup>3</sup>, Amirbahador Zamani<sup>4</sup>*

<sup>1</sup>Ph.D Candidate in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Professor of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

<sup>3</sup>Professor of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

<sup>4</sup>Associated Professor of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Tehran Iran.

(Received: 26 Nov 2019, Accepted: 9 Jun 2020)

Karaj was just a small town in the 1920s. In the 1950s, it was populated by fifteen thousand. However, now it is between the four biggest cities in Iran and populated more than 1,600,000. The various forces that have changed this city are not so well-studied. These forces also contain an important part of modern development history. This article is going to investigate these forces through historical study. This research has an explorative-explanative goal. It is going to investigate the forces that transform Karaj. These forces are not so clear. For achieving these goals, inductive and reproductive strategy are used. Necessary data are collected from social products for secondary analysis. These data are mostly collected through content analysis of various urban plans and historical sources during history. The data were analyzed by historical study. Karaj has some historic buildings dating back to two thousand years ago. This city has been originated just beside Alborz mountain and also the Karaj river. It has been located in a historical way which improves its importance. The transformation of Karaj has happened in some steps. For the first transformation, some channels were branched for irrigating agricultural land. Then these channels have played an infrastructure role in the development of Karaj. The atmosphere of Karaj and its nice weather, its short distance to the capital, and also the national transportation infrastructures make Karaj a focal point for palaces, industrial sites, and also some research institutes. During the 1950s, private investors build some industrial sites in Karaj. These sites have created a part of the Karaj structure. However, after the 1960s decisions of government on a national scale, Karaj has changed into an interesting site for new de-

velopments and absorbing rapid immigration. The investigation shows that power is the most important dimension in the transformation of Karaj. Centralization and industrialization policies of government consequent from these policies lead to the rapid transformation of Karaj in the last hundred years. The main dimensions of Karaj urban form are borders, centers, and differences affecting natural and political forces. The rapid development of Karaj produces a sort of social chaos which leads to a new phenomenon compared with the other main cities of Iran. In contrast with the other cities which have horizontal or vertical relations, Karaj experiences neighboring relations. The neighboring relation is the consequence of locating various groups just beside each other. Social division in Karaj does not have a rigid border as the other cities may have. However, the segregation of different groups is widespread in all parts of the city. There are so many neighborhoods that are constructed around different centers such as industrial facilities. Following the development of Karaj, these developments come around each other and many brownfields also remain between these developments. Resulting high amount of immigration, there are so many informal neighborhoods inside and outside of the city. These informal parts lead to dispersing the city and also produces so many social problems for Karaj. These non-harmonization developments, also reflect on the physical form of Karaj.

### Keywords

Influential forces, Urban transformation, Karaj, Power, Adjacent relations.

<sup>\*</sup>This article is extracted from the first author's doctoral dissertation, entitled: "The explanation of the influential forces effect on the urban form transformation; Case study: Karaj" under the supervision of the second and third authors and the advisory of the fourth author at Iran University of Science and Technology.

<sup>\*\*</sup>Corresponding Author: Tel: (+98-912) 01528531, Fax: (+98-77) 899955, E-mail: ahmadnamdarian@yahoo.com